

نقد و بررسی ترجمه «فاطمه جعفری» از رمان اعترافات «ربیع جابر» بر اساس نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه «آنتوان برمن»

۱- رجاء ابوعلی** ۲- بهزاد اسبقی گیگلو*

۱- استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۵)

چکیده

ترجمه متن ادبی، سخت‌ترین نوع ترجمه است و با چالش‌های ویژه‌ای روبه‌رو است که باعث دشواری بیش از پیش ترجمه می‌شود. این نوع از ترجمه، نیازمند بحث‌های نظری است تا راهکارهایی برای ترجمه بهتر و توفیق بیشتر مترجمان ارائه دهد. «آنتوان برمن» مترجم، نظریه پرداز، فیلسوف و تاریخ‌نگار علم ترجمه است که تحت تأثیر فلسفه، نگاهی نو به مطالعات ترجمه داشت. برمن در جایگاه مترجم و نظریه پرداز، توجه ویژه‌ای به متن اصلی دارد و به وفاداری مترجم در ترجمه معتقد است. پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی از نوع انتقادی سامان یافته است، ترجمه «فاطمه جعفری» بر رمان اعترافات «ربیع جابر» را بر اساس هفت مؤلفه از مؤلفه‌های ریخت‌شکنانه متن «آنتوان برمن» شامل منطقی‌سازی، تطویل یا اطناب کلام، تفاخر گرای، غنازدایی کیفی، غنازدایی کمی، تخریب ضرب آهنگ‌های متن، تخریب عبارات و اصطلاحات خاص زبان نقد و بررسی کرده است. برآیند پژوهش نشان می‌دهد در بین مؤلفه‌های یادشده، اطناب کلام و تخریب ضرب آهنگ متن از پربسامدترین عوامل تحریف متن در ترجمه فاطمه جعفری است و این مؤلفه‌ها در تفاخر گرای نیز تأثیر گذاشته و در مواردی شاهد افزایش مؤلفه تفاخر گرای در ترجمه او هستیم. از جهت انتقال ساختار و محتوا نیز در مجموع، ترجمه‌ای وفادار به متن اصلی ارائه کرده و در حوزه‌های منطقی‌سازی، غنازدایی کیفی، غنازدایی کمی و تخریب عبارات و اصطلاحات خاص زبان، کمترین انحراف را از متن اصلی داشته است. بسامد هر یک از مؤلفه‌های ریخت‌شکنانه موجود در ترجمه رمان اعترافات در قالب یک نمودار میله‌ای نمایش داده شده است.

واژگان کلیدی: آنتوان برمن، رمان اعترافات، ترجمه، فاطمه جعفری، گرایش‌های ریخت‌شکنانه.

** E-mail: abualir44@gmail.com

* E-mail: esbaki1993@gmail.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

۱. بیان مسأله

ترجمه، نمونه‌ای خاص از تلاقی زبانی و یکی از فعالیت‌های بشری است که قدمتی طولانی دارد. این فعالیت بشری، نشانگر «وساطت بین‌زبانی» است که این امکان را می‌دهد تا از طریق تماس جوامعی که به زبان‌های مختلف سخن می‌گویند، اطلاعات و دانسته‌ها میان کاربران مختلف به منظور تبادلات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تجاری و... انتقال یابد و همین امر، ضرورت عمل ترجمه را روشن تر می‌کند.

ترجمه، همانند هر عمل دیگری، همواره با نقص‌هایی همراه است و این نقص‌ها - به علت طبیعت ترجمه - به عنوان یک عمل بین‌زبانی و ارتباطی، اجتناب‌ناپذیر است و مترجم - به عنوان واسطه‌ای میان نویسنده و خواننده - موظف است این نقص‌ها را به گونه‌ای جبران کند. البته هر مترجمی بنا بر شمی که دارد - حتی بدون آگاهی با نظریه‌های ترجمه - به طور ناخودآگاه و تجربی دست به اقداماتی در جهت رفع این نقص‌ها می‌زند، اما به نظر می‌رسد امروزه با توجه به سیر و جهت‌گیری جهان به سوی علمی کردن تمام حرفه‌ها و عرضه ابزارهایی برای رویارویی با مشکلات آن، ترجمه نیز از این امر مستثنا نبوده و نیاز به ابزارهایی دارد. این ابزارها و یا بهتر بگوییم، نظریه‌ها، راهی است برای آشنایی هر چه بهتر با مشکلات ترجمه، طبقه‌بندی آن‌ها و نیز عرضه راه‌حل‌هایی برای تصمیم‌گیری در جهت حل مشکلات پیش رو.

قدمت نقد ترجمه به تاریخ ترجمه نمی‌رسد، اما صدها سال از پیدایش آن می‌گذرد. اولین نقدهای ترجمه بیشتر توسط کسانی ارائه شده که خود مؤلف و مترجم بوده‌اند. نویسنده یا مترجم برای بیان دیدگاه‌های خود در باب ترجمه، رویکرد خود را الگوی نقد و تحلیل قرار می‌دهد. این در حالی است که گروهی بر این باورند که مترجم «باید موضعی کاملاً شخصی در قبال متن داشته

باشد و ویژگی‌ها و مشخصات خاص خود را به متن بیفزاید و در این زمینه، مترجم و هنرمند خلاق هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند» (حماد^۱، ۲۰۰۲: ۲۴۳).

در عرصه ترجمه و ترجمه‌شناسی، «آنتوان برمن^۲» از جمله کسانی است که تحت تأثیر فلسفه، گونه دیگری از نقد ترجمه را پیش می‌کشد؛ «نقد ترجمه آن گونه که «برمن» ارائه می‌دهد حاصل خوانش و تفکر و بسیار نزدیک به نقد ادبی است. محور دیدگاه ترجمه‌شناسی «برمن»، احترام به متن بیگانه و دیگری است» (احمدی، ۱۳۹۲: ۲).

آنتوان برمن، نظریه‌پردازی مبدأگرا است که قوم‌مداری، از آن خود ساختن و بیگانه‌زدایی را از مهم‌ترین عوامل گرایش به مبدأگرایی و پیدایش نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنا می‌داند. او در این نظریه، مترجم را به وفاداری به متن مبدأ دعوت می‌کند. با کاربست نظریه برمن، می‌توان میزان وفاداری مترجم را مورد سنجش قرار داد. «او مجموعه‌ای از عوامل را که باعث ایجاد فرآیند بیگانه‌زدایی می‌شود، برمی‌شمرد و از مترجم می‌خواهد که از این تحریف‌ها بپرهیزد و در ترجمه، از جهت سبک و محتوا، به متن مبدأ پایبند باشد» (صفوی، ۱۳۷۱: ۹).

برمن با مطرح کردن مبحث اخلاق در ترجمه در واقع به تعریف هدف از ترجمه می‌پردازد. به باور او، «هدف از ترجمه، تنها برقراری ارتباط، انتقال پیام و یا یافتن معادل کلمه به کلمه نیست؛ زیرا ترجمه یک فعالیت ادبی و زیباشناختی محض محسوب نمی‌شود. ترجمه در واقع نوشتن و منتقل کردن است، اما این نوشتن و انتقال تنها در سایه هدف اخلاقی حاکم بر ترجمه، معنا می‌یابد. اخلاق حرفه‌ای مترجم به معنای قبول کردن و پذیرفتن دیگری به عنوان دیگری است و پذیرفتن آن به جای پس زدن است» (برمن، ۲۰۱۰: ۷۴). از این رو، برمن دیدگاهی جامع‌نگرانه به ترجمه دارد و از تعصب افراطی نسبت به متن مبدأ به دور است. او معتقد نیست که ترجمه باید به طور کلی به متن مبدأ مقید باشد؛ زیرا اصولاً ترجمه، یک عمل زایشی و ادبی است و شخصیت و سبک مترجم در

1- Ahmed Hammad

2- Antoine Berman

آن، خواه‌ناخواه بروز می‌یابد، اما آنچه ضروری می‌نماید، این است که او باید بپذیرد که صاحب متن، یک بیگانه است و متن از آن او است. از این رو، طبق نظر برمن که نظریه‌ای اصولی است و امکان مقایسه میان ترجمه و متن اصلی را فراهم می‌آورد، متن باید از عوامل تحریف‌ساز یا ساخت‌شکنانه تا حد امکان به دور باشد و مترجم با پذیرفتن متن بیگانه سعی کند آن را بدون خدشه و تغییری به زبان مقصد منتقل کند؛ «از دیرباز تاکنون دو نوع محور در ترجمه شکل گرفته است که عبارتند از: ترجمه معنایی و ارتباطی» (نیومارک^۱، بی‌تا: ۷۰). پیشینه این دو قطبی شدن ترجمه را می‌توان «به دو نفر که نامشان مکرراً در مبحث نظریه ترجمه ذکر شده است، نسبت داد: سیسرون^۲، حقوق‌دان و نویسنده رومی و سنت جروم^۳ که در قرن چهارم میلادی، تورات هفتادگانه یونانی را به زبان لاتینی ترجمه کرد» (هتیم و ماندی^۴، ۱۳۸۸: ۳۰).

مترجمان در زمان باستان از شیوه ترجمه تحت‌اللفظی برای ترجمه از یونانی به لاتین استفاده می‌کردند «اما سیسرون در ترجمه‌های خود بر این امر تأکید داشت که از شیوه تحت‌اللفظی یا همان کلمه‌به‌کلمه استفاده نکرده است و به عنوان یک واعظ در پی آن بوده که سبک کلی و تأثیر کلام را انتقال دهد. در قرن چهارم میلادی نیز سنت جروم برای ترجمه انجیل به جای ترجمه کلمه‌به‌کلمه از ترجمه معنابه‌معنا استفاده کرد» (اوریده^۵، ۲۰۱۳: ۱۶) و به این صورت بود که دو قطبی ترجمه شکل گرفت؛ «برمن با این عقیده که معنای زیبا زاینده‌فُرم و شکلی زیباست و مترجم تنها با وفادار بودن به فرم می‌تواند معنای اصلی را انتقال دهد» (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۵۸) به طرفداری از ترجمه مبدأگرا پرداخت و نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه را پایه‌ریزی کرد. این در حالی بود که برمن معتقد است

-
- 1- Peter Newmark
 - 2- Marcus Tullius Cicero
 - 3- Saint Jerome
 - 4- Basil Hatim and Jeremy Munday
 - 5- Urida Baramaki

«هر ترجمه‌ای ناگزیر طولانی‌تر از متن مبدأ است» (برمان، ۲۰۱۰: ۷۹) و بر این اساس چالش‌هایی در مقابل مترجم و خواننده وجود دارد. «بنابراین، یافتن یک معادل لفظی مناسب و سازگار با بافت متن جزو چالش‌های عام پیش روی مترجمان به‌شمار می‌رود و همین امر از عوامل دشوارسازی فرآیند عمل مترجم به ویژه در ترجمه متون ادبی به‌شمار می‌رود؛ چراکه ساختار مزاجی، عاطفی و عقلی انسان از نقطه‌ای به نقطه دیگر دچار دگرگونی و تحولات مختلفی می‌شود» (گنجیان خناری، ۱۳۹۷: ۲).

۲. سؤالات پژوهش

در این پژوهش به دنبال پاسخ برای دو سوال زیر هستیم:

- از میان مؤلفه‌های یادشده، کدام یک نقش بیشتری در تحریف متن مبدأ رمان اعترافات ربیع جابر داشته است؟
- میزان وفاداری مترجم به متن اصلی چقدر است؟

۳. فرضیه‌های پژوهش

برآیند پژوهش نشان می‌دهد در بین مؤلفه‌های یادشده، اطناب کلام و تخریب ضرب آهنگ‌های متن از پربسامدترین عوامل تحریف متن در ترجمه فاطمه جعفری است و این مؤلفه در تفاخرگرایی نیز تأثیر گذاشته و در مواردی شاهد افزایش مؤلفه تفاخرگرایی در ترجمه او هستیم. از جهت انتقال ساختار و محتوا نیز در مجموع، ترجمه‌ای وفادار به متن اصلی ارائه کرده و در حوزه‌های منطقی‌سازی، غنازدایی کیفی، غنازدایی کمی و تخریب عبارات و اصطلاحات خاص زبان، کمترین انحراف را از متن اصلی داشته است. در کل میزان وفاداری مترجم به متن اصلی با توجه به آمار به‌دست آمده از نمودار میله‌ای، ۸۱ درصد خوب و قابل اطمینان است، اما در ۱۹ درصد باقیمانده رمان؛ یعنی در ۶۷ مورد به

خاطر ثقیل بودن یکسری اصطلاحات، جملات و عبارات‌های محلی، مترجم نتوانسته است مقصود اصلی نویسنده را به خواننده برساند.

۴. پیشینه پژوهش

در باره نظریه آنتوان برمن، پژوهش‌هایی صورت گرفته است از جمله پژوهش زنده‌بودی (۱۳۹۰) با عنوان «از خود و دیگری و گرایش‌های تحریفی در گفتمان ترجمه‌شناختی آنتوان برمن تا ترجمه‌ناپذیری» که در این پژوهش، مفاهیم خود و دیگری را با تکیه بر نظریه آنتوان برمن واکاوی کرده است.

مقاله «نقد و بررسی ترجمه شهیدی از نهج البلاغه براساس نظریه گرایش‌های ریخت‌شکناهی آنتوان برمن» نوشته دلشاد و همکاران (۱۳۹۴)، ترجمه سیدجعفر شهیدی از نهج البلاغه را با تکیه بر چهار مؤلفه منطقی‌سازی، شفاف‌سازی، تطویل و اطناب کلام و آراسته‌سازی (تفاخرگرایی) نقد و بررسی کرده است.

صمیمی (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی ترجمه داستان تپه‌هایی چون فیل‌های سفید براساس سیستم تحریف متن آنتوان برمن» داستان اشاره شده را از چهار منظر منطقی‌سازی، تطویل و اطناب کلام، تفاخرگرایی و تخریب شبکه معنایی مستتر، بررسی انتقادی کرده است.

افضلی و یوسفی (۱۳۹۵) در مقاله «نقد و بررسی ترجمه عربی گلستان سعدی براساس نظریه آنتوان برمن (مطالعه موردی کتاب الجلسان الفارسی اثر جبرائیل المخلع)» و مسبوق و گلزارخجسته (۱۳۹۶) در مقاله «واکاوی ترجمه پورعبادی از حکمت‌های رضوی براساس سیستم تحریف متن آنتوان برمن» به بررسی هفت مؤلفه از سری مؤلفه‌های نظریه ترجمه آنتوان برمن پرداخته‌اند.

فرهادی، میرزایی‌الحسینی و نظری (۱۳۹۶) در مقاله «نقد و بررسی اطناب و توضیح در ترجمه صحیفه سجاده براساس نظریه آنتوان برمن (مطالعه موردی ترجمه انصاریان)» دو مؤلفه اطناب و توضیح را از سری مؤلفه‌های گرایش‌های ریخت‌شکناهی آنتوان برمن مورد بررسی قرار داده‌اند.

برمکی اوریده (۲۰۱۳) در پایان‌نامه خود با عنوان «الحرفیة فی الترجمة الأدبیه لدى أنطوان برمان، دراسة نقدیة تحلیلیة للنزعات التشویهیة فی ترجمة رواية فوضی الحواس لأحلام مستغانمی إلى الفرنسية» که به دانشگاه قسنطینة الجزائر ارائه کرده است به ۱۰ مورد از گرایش‌های تحریفی موجود در ترجمه فرانسوی این رمان براساس نظریه برمن اشاره و برای هر یک چند نمونه ذکر کرده است.

با توجه به بررسی انجام شده در مطالعات صورت گرفته، هیچ پژوهشی در رابطه با ترجمه فاطمه جعفری بر رمان اعترافات ربیع جابر تاکنون صورت نگرفته است؛ از این رو، پژوهش حاضر کاملاً نو به‌شمار می‌رود.

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی از نوع انتقادی سامان یافته است و ترجمه «فاطمه جعفری» بر رمان اعترافات ربیع جابر را براساس مؤلفه‌های ریخت‌شکناة متن «آنتوان برمن» شامل منطقی‌سازی، تطویل یا اطناب کلام، تفاخرگرایی، غنازدایی کیفی، غنازدایی کمی، تخریب ضرب آهنگ‌های متن، تخریب عبارات و اصطلاحات خاص زبان، نقد و بررسی می‌کند.

۵. ربیع جابر و رمان اعترافات

ربیع جابر یکی از نویسندگان جوان لبنان و از مطرح‌ترین نویسندگان نسل امروز جهان عرب است. او در سال ۱۹۷۲ میلادی در بیروت متولد شد و در رشته فیزیک از دانشگاه آمریکایی بیروت مدرک کارشناسی خود را دریافت کرد. وی سردبیر هفته‌نامه «آفاق»، پیوست فرهنگی روزنامه «الحیة» است که در لندن به چاپ می‌رسد. برجسته‌ترین آثار داستانی ربیع جابر به زبان‌های متعددی ترجمه شده است. ربیع جابر در سال ۲۰۱۲ به خاطر نوشتن رمان «دروز بلغراد» برنده جایزه دوره پنجم بوکر عربی در کشور امارات شد.

رمان اعترافات ربیع جابر، نویسنده لبنانی که نامزد جایزه بوکر عربی در سال ۲۰۰۹ و برنده جایزه ادبی پن^۱ آمریکا در سال ۲۰۱۷ در بخش ترجمه شده است؛ «اعترافات» روایتی از یک زندگی سرگشته است. یک زندگی در بستر جنگ‌های داخلی کشور لبنان است که سرگذشت یک انسان را از مسیری که به طور طبیعی قرار بر طی آن بوده است به سویی نامختوم تغییر می‌دهد. کودکی به اسم «مارون» از دل یک نزاع خونین خیابانی در جریان جنگ‌های داخلی لبنان زنده بیرون می‌آید و در خانواده قاتل پدر و مادرش بزرگ می‌شود بی آن‌که نه آن‌ها بدانند چرا او را نجات داده و بزرگ کرده‌اند و نه خود او از این راز سر در می‌آورد، اما یک چیز برای او مشخص است؛ او دیگر نمی‌تواند به همان شکلی زندگی کند که اگر در میان چنین معرکه‌ای نمی‌بود، می‌خواست. مارون زاده جنگ است و بزرگ شده با کینه و نفرت ناشی از آن؛ به هر دری می‌زند تا بتواند از خود انسانی جدا شده از جنگ بسازد، موفق نمی‌شود. او نمی‌تواند عاشق شود، نمی‌تواند درس بخواند، نمی‌تواند محبت پدری و مادری را لمس کند و حتی نمی‌تواند واقعیت گذشته خود را کشف کند. جنگ از او یک انسان بی‌حس شده ساخته، جنگی که نمی‌داند برای چه بوده و هرگز نیز راز بودنش در بسترش را کشف نمی‌کند. مارون در پایان خود را انسانی سترون شده می‌یابد که گرچه زندگی کم‌ویش معمولی و شاید راحتی را برای خود تدارک دیده است؛ همچون جدول کلمات متقاطع که خانه‌های خالی بسیاری دارد و البته چیش کلمات در سایر خانه‌ها، اجازه پر شدن به سایر خانه‌ها را نمی‌دهد و روایتی تلخ، اما خواندنی است از جنگ؛ جنگی که حاضران در آن تنها جنگجویانی هستند که از همان ابتدا می‌دانند سرنوشتی جز سیاهی و تباهی در انتظار آن‌ها نیست؛ خواه آن را بپذیرند و یا خواه با سربه‌هوایی روی خود را از آن برگردانده و سعی کنند به افق‌های دیگری در زندگی خیره شوند» (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۷).

۶. نگاهی به نظریه آنتوان برمن

آنتوان برمن (۱۹۹۱-۱۹۴۱) مترجم، نظریه پرداز، فیلسوف و تاریخ نگار علم ترجمه است. او تحت تأثیر فلسفه رمانتیک آلمانی‌ها و کسانی چون والتر بنیامین^۱ و هانری مشونیک^۲، گونه دیگری از نقد را در ترجمه پیش می‌کشد. نقد ترجمه، آن گونه که برمن ارائه می‌دهد، حاصل خوانش و تفکر و بسیار نزدیک به نقد ادبی است. محور دیدگاه ترجمه‌شناختی برمن، احترام به متن بیگانه و دیگری است و از این نظر با ارائه نظریه «گرایش‌های ریخت‌شکنا» دیدگاه‌های قوم‌گرایانه و معطوف به زبان مقصد را در کار ترجمه مورد بررسی قرار می‌دهد. «وی هر گونه تغییر در سبک نویسنده، ساختار زبان، اطناب کلام یا حتی تغییر در نقطه‌گذاری و پاراگراف‌بندی را از جمله عوامل تحریف متن برمی‌شمارد. این رویکرد از ۱۳ مؤلفه تشکیل شده که عبارتند از: منطقی‌سازی، شفاف‌سازی، تطویل یا اطناب کلام، تفاخر‌گرایی، غنازدایی کیفی، غنازدایی کمی، همگون‌سازی، تخریب ضرب‌آهنگ‌های متن، تخریب شبکه‌های معنایی مستتر در متن، تخریب سیستم‌بندی‌های متن، تخریب یا غیربومی کردن شبکه‌های زبانی بومی، تخریب عبارات و اصطلاحات خاص زبان، امحاء و برهم نهادگی‌های زبان‌ها» (برمن، ۱۹۹۳: ۵۴-۵۳).

«برمن» بر رویکرد غیروفادارانه تاخته و از جمله نظریه پردازان مبدأگرایی است که با گرایش متداول بومی‌سازی و تقبیح بیگانه‌سازی در فرآیند ترجمه به شدت مخالفت کرده است» (ماندی^۳، ۱۳۸۹: ۳۲۴). «به عقیده او متون ترجمه شده در طول فرآیند ترجمه به گونه‌ای تغییر شکل می‌یابد که اثری از بیگانگی در آن یافت نمی‌شود» (بیکر^۴، ۲۰۰۰: ۲۸۷).

1- Walter Bendix Schonflies Benjamin

2- Henry Meschonnic

3- Jeremy Munday

4- Baker

«برمن معتقد است که عده‌ای تمایل دارند، ریخت و شکل زبان را تغییر دهند. هدف از این کار که به زعم او نوعی نابودی متن اصلی و خدمت به معنا و صورت زیبا در زبان مقصد و خواننده است؛ یعنی در ترجمه خود، آن‌قدر در بازنویسی و آفرینش مجدد معنا و فرم، غرق می‌شوند که متن اصلی را به کلی به فراموشی می‌سپارند. او این تغییر شکل‌ها را ناشی از عوامل قوم‌مدارانه می‌داند که بر جهت‌گیری مترجم تأثیر می‌گذارد» (صمیمی، ۱۳۹۱: ۴۴).

بیگانه‌زدایی و فرآیند از آن خود ساختن از دیرباز مورد توجه مترجمان بوده است. در دوران نهضت ترجمه در عصر عباسی، آثار پرشماری از پهلوی، یونانی و سنکریتی به عربی برگردانده شد که بیشتر، ترجمه‌هایی نابرابر از متن اصلی بود. ترجمه‌های هزارویک شب و کلیله و دمنه، نمونه‌های بارزی از این دست ترجمه‌های غیروفادارانه است. این رویکرد در دوران معاصر نیز ادامه یافت و عمده این ترجمه‌ها با ترجمه پسااستعماری رونق گرفت. آن‌جا که مترجمان کشورهای استعمارشده برای رهایی از پدیده استعمار فرهنگی دست به ترجمه آثاری با رنگ و بوی بومی و محلی زدند (انوشیروانی، ۱۳۹۱: ۲۰). دیدگاه برمن علیه چنین رویکردهای غیروفادارانه‌ای است که کمر به نابودی و کم‌رنگ کردن متن مبدأ بسته‌اند. «مسئلاً دیگر نمی‌توان چنین ترجمه‌ای را در مقایسه با متن اصلی در مرتبه نازل‌تری قرار داد. در چنین ترجمه‌ای، مترجم با حفظ جایگاه متن اصلی، متنی می‌آفریند که خالق آن مترجم است، نه نویسنده متن مبدأ. مترجم این متن، دیگر برده و اسیر نویسنده نیست؛ بلکه آزاد است تا متنی را از بافتی به بافت فرهنگی دیگر منتقل کند و از آن خود، سازد» (انوشیروانی، ۱۳۹۱: ۲۱). آنتوان برمن بر این رویکرد غیروفادارانه تاخت. البته باید گفت که با توجه به تفاوت‌های فرهنگی-اجتماعی و گفتمانی، پایبند بودن به عقیده برمن در تمامی موارد بسیار دشوار می‌نماید (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۶۳). از این رو، نظریه برمن در پاره‌ای از مؤلفه‌ها، کاربردی و عملی نیست و نمی‌توان بر آن جامه عمل پوشاند.

۷. نقد و بررسی مؤلفه‌های ریخت‌شکناهی آنتوان برمن در رمان اعترافات

۷-۱. منطقی‌سازی

«منطقی‌سازی به ایجاد تغییر در ساختار نحوی و شیوه علامت‌گذاری متن مبدأ مربوط می‌شود. در این مؤلفه، مترجم با توجه به نظم گفتمان مقصد، جملات و زنجیره جملات را بازتولید و مرتب می‌کند و به نظم درمی‌آورد. برمن معتقد است که نثر از قبیل رمان، رساله و... به دلیل برخورداری از تکرار، تعدد جملات موصولی و معترضه، جملات بلند و جملات بدون فعل، ساختاری شاخه‌شاخه دارد و مترجم با منطقی‌سازی، این ساختار شاخه‌شاخه را به ساختار خطی تبدیل می‌کند. به عنوان مثال، مترجم برای جملاتی که در متن مبدأ بدون فعل هستند، فعل می‌آورد. جملات بلند را کوتاه می‌کند و به اصطلاح، جملات را می‌شکند یا جملات معترضه را جابه‌جا و یا اضافه و کم می‌کند. در حقیقت، برمن فرآیند منطقی‌سازی را تحریفی در متن اصلی قلمداد و آن را رد می‌کند» (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۳).

منطقی‌سازی تا زمانی که به بافت اصلی کلام آسیبی نرساند، نادرست تلقی نمی‌شود. بنابراین، منطقی‌سازی به دو نوع تقسیم می‌شود؛ در نوع اول مترجم به دلیل متداول نبودن ترکیب زبان مبدأ دست به تغییراتی می‌زند. به عنوان مثال، مترجم فاطمه جعفری در ترجمه نمونه زیر در فرآیند ترجمه جمله معترضه، ساختار اصلی این جمله را نسبت به متن اصلی به هم ریخته و جای جمله معترضه را تغییر داده است در حالی که جمله معترضه، بیگانه از کلام بوده و عبارت است از جمله زائدی که در بین اجزای اصلی جمله واقع می‌شود و جزء جمله‌هایی است که محلی از اعراب ندارد. مانند: «أخی الصغیر لم أعرفه، أعرف صورته، أعرف وجهه، یشبهنی فی الصور -کان یشبهنی- أكثر ممّا یشبه أخی الکبیر» (جابر، ۲۰۰۸: ۹).

ترجمه: «برادر کوچکم را ندیده‌ام، عکسش را دیده‌ام، قیافه‌اش را می‌شناسم، در عکس‌ها بیشتر شبیه من است تا برادر بزرگترم - شبیه‌ام بود.» (جعفری، ۱۳۹۷: ۹).

جملات معترضه، یکی دیگر از جملات پیچیده مرکبی هستند که از دو ساختار حملی بهره می‌برند. ساختار اصلی حمل در این جمله شامل (یشبهنی فی الصور أكثر مما يشبه أخی الکبیر؛ در عکس‌ها بیشتر شبیه من است، تا اینکه بخواهد شبیه برادر بزرگ ترم باشد) است که ساختار حمل فرعی (کان یشبهنی) پایین اجزای این ساختار جای گرفته است؛ چراکه گوینده در اثنای کلام، حس کرده ضریب اطمینان خبرش صددرصد نیست. از این رو، با آوردن جمله معترضه (کان یشبهنی؛ البته بیشتر شبیه من بود) حالت ظن و گمان خود را ابراز کرده است و چون گوینده به این شکل از موضوع خبر داده، تغییر دادن و عوض کردن مکان جمله معترضه باعث تغییر مفهوم و تحریف معنای اصلی در ترجمه شده است.

۲-۷. تطویل یا اطناب کلام

«هدف از شفاف‌سازی، ابهام‌زدایی از معناست، اما اطناب، مفصل کردن کلام و اضافاتی است که چیزی به متن نمی‌افزاید و تنها حجم خام متن را افزایش می‌دهد، بی آن‌که به بار معنایی و گفتاری متن بیفزاید. هر ترجمه‌ای به این گرایش دارد که از متن اصلی طولانی‌تر باشد و این نتیجه دو گرایش اول است» (معایش، ۲۰۰۸: ۶۴). منظور از اطناب، آن اضافاتی از متن است که بار معنایی را دربر نداشته باشد؛ به عبارت دیگر، در بلاغت قدیم به این گرایش (حشو زائد) گفته می‌شود و باری اطناب ادای مقصود با عباراتی بیشتر از عبارات مألوف است. «گفتنی است که اطناب موجود در متن اصلی، بسته به نظر نویسنده متن اصلی

۱- از نگاه احمد متوکل، «جملات مرکب، جملاتی هستند که علاوه بر ساختار حمل، مشتمل بر یک نقش بیرونی نیز باشند، نقشی مانند مبتدا، دامنه یا منادا. وی جملاتی را که در بردارنده ی دو ساختار حملی (اصلی و فرعی) باشد در دسته دیگری تحت عنوان جملات پیچیده جای می‌دهد» (المتوکل، ۱۹۸۸: ۳۵).

است و از حیطة کار ما خارج است، اما هنگامی که بحث از ترجمه و اطناب می‌شود باید به این موضوع دقت کرد که آیا مترجم می‌تواند بدون توجه به متن اصلی، ترجمه را دچار اطناب کند یا خیر؟» (فرهادی، ۱۳۹۶: ۶). مانند جمله «يُطعمها و تضحک و تقول «أنا أمك يا بلا أدب» و تبوس رأسه. هی تبوس رأسه و هو یبوس رأسها» (جابر، ۲۰۰۸: ۶۵). ترجمه: «غذا را در دهان مادرم می‌گذاشت و او هم با خنده می‌گفت «ای پسر بی‌ادب، من مادرت هستم» و سرش را می‌بوسید. مادرم سر او را می‌بوسید و او سر مادرم را بوسه باران می‌کرد» (جعفری، ۱۳۹۷: ۵۸).

چنان که از ترجمه پیداست، مترجم با آوردن شماری از کلمات باعث طولانی و حجیم شدن متن و به اصطلاح سبب تحریف متن شده است. کلماتی اضافی مانند دهان و باران از مواردی است که جزو اطناب کلام به‌شمار می‌رود و مترجم می‌توانست با ترجمه‌ای کوتاه‌تر، متن عربی را ترجمه کند. مترجم جعفری در ترجمه جمله «يُطعمها؛ به مادرم غذا می‌داد» و «و هو یبوس رأسها؛ و او سر مادرم را می‌بوسید» از اطناب استفاده کرده است در حالی که در کنار فعل «یطعم» هیچ اشاره‌ای به کلمه دهان نشده است. همچنین هیچ صفت خاصی همراه فعل یبوس به کار نرفته است، اما مترجم فعل را با صفت خاصی (بوسه باران می‌کرد) به کار برده است و در واقع جمله را طولانی کرده است و این زیبایی‌سازی براساس نظریه ریخت‌شکنانه آنتوان برمن درست نیست.

۳-۷. تفاخرگرایی

«برمن» این گرایش را، گرایشی افلاطونی می‌خواند و آن را نتیجه کار مترجمانی می‌داند که متن مقصد را از لحاظ فرم و شکل، زیباتر از متن اصلی می‌آورند» (صمیمی، ۱۳۹۱: ۴۸). او معتقد است این گرایش مربوط به حس زیبایی‌شناختی افرادی می‌شود که معتقدند هر گفتمانی باید گفتمانی زیبا باشد. «برمن تفاخرگرایی را در نظم، شاعرانه کردن و در

حوزه نشر، بلیغ کردن می‌خواند و آن را شامل تولید جملات فاخر با بهره گرفتن از متن اصلی، به عنوان ماده اولیه، تعریف می‌کند. در واقع، برمن کار این مترجمان را بر هم زدن سبک و فرم متن اصلی می‌داند که بدون در نظر داشتن چند و چون متن اصلی، صرفاً برای خوانا، برجسته و فاخر کردن متن مقصد به متن اصلی توجهی نمی‌کنند و دست به بازنویسی و تمرین سبکی از متن اصلی می‌زنند» (افضلی، ۱۳۹۵: ۷۴).

جعفری به ندرت از مقولهٔ تفاخرگرایی بهره جسته و به فرم عربی پایبند بوده و در حد توان از تعابیر و عبارات ادبی و پر طمطراق دوری کرده است. مانند «کنا لا نری إلی ماوراء البنايات المحطمة: بدت البنايات مثل سلسلة جبال من الباطون الرمادی و الثقوب السوداء، سلسلة تنخفض ثم تعلقو (بعض البنايات مقصوص الروؤس)، و نحن لم نكن نستطيع أن نرى ما يوجد وراء تلك الجبال» (جابر، ۲۰۰۸: ۶۲).

ترجمه: «اما آنچه را پشت آن ساختمان‌های ویران بود، نمی‌دیدیم: آن ساختمان‌ها مثل یک رشته کوه بتونی خاکستری رنگ و پر از سوراخ‌های سیاه به نظر می‌رسید، رشته کوهی پر از پستی و بلندی (سر بعضی ساختمان‌ها رفته بود) و ما نمی‌توانستیم چیزهای پشت آن رشته کوه را ببینیم» (جعفری، ۱۳۹۷: ۵۶).

در ترجمهٔ عبارت مزبور تفاخرگرایی صورت گرفته است و مترجم به جای عبارات «دیده می‌شد، بالا و پایین می‌شد» از «به نظر می‌رسید، پر از پستی‌ها و بلندی‌ها» استفاده کرده است و از این طریق زیبایی ادبی به ترجمهٔ خود بخشیده است. «در گرایش تفاخرگرایی یا آراسته‌سازی مترجم بر آن است تا متنی هر چه زیباتر به مخاطب ارائه کند و این امر باعث غرابت‌زدایی از متن مبدا می‌شود» (بیکر، ۲۰۰۰: ۲۹۰). آنچه برمن در نظر دارد حفظ بیگانگی موجود در زبان است تا رابطه و شناخت بیشتری بین مخاطب متن مبدأ و مقصد ایجاد شود. به عبارت دیگر، این مدل ترجمه براساس نظریهٔ برمن تحریف متن

به‌شمار می‌آید و مترجم در این الگو باید ترجمه‌ای نزدیک به متن اصلی و دور از تفاخرگرایی ارائه دهد.

در نمونه ای دیگر، جعفری در معادل دقیق کلمه «الموقف» با استفاده از تفاخرگرایی به ترجمه‌اش زیبایی بخشیده است و به جای عبارت «پارکینگ» از عبارت «کنار خیابان» استفاده کرده است. مترجم در معنای کلمه «الموقف» که در فرهنگ‌های لغت در معنای «پارکینگ، توقفگاه، محل استراحت، ایستگاه، محل نزول، محل، مکان» (آذرنوش، ۱۳۹۲: ۱۲۳۵) آمده است، می‌توانست با استفاده از این معانی از معادل‌های بهتری استفاده کند؛ «زکن السيارة فی الموقف و یانتظار موعد الفیلم نتکلم» (جابر، ۲۰۰۸: ۱۰۲).
ترجمه: «ماشین را کنار خیابان پارک می‌کردیم و تا زمان شروع فیلم، حرف می‌زدیم.» (جعفری، ۱۳۹۷: ۹۰).

۴-۷. غنازدایی کیفی

«در الگوی برمن، این نوع تحریف، جایگزین کردن کلمات، اصطلاحات و پیچ‌وخم جملات با کلمات و اصطلاحاتی است که از لحاظ غنای معنایی، آوایی و طنین کلمات در سطح واژه مبدأ نیستند. تحریفی که برمن از آن سخن می‌گوید، شاید یکی از سخت‌ترین مسائل موجود در عمل ترجمه و یکی از دشوارترین کارهای هر مترجم باشد. هر زبانی با توجه به ساختار و کلمات و آواهای موجود در آن، کلمات و بازی‌های کلامی ویژه‌ای با بار معنایی و تصویرسازی خاص خود دارد و برگرداندن آن‌ها غالباً بسیار دشوار است. شاید گاهی بتوان با شباهت‌های آوایی آن‌ها مانور داد، اما همواره چنین شانسی وجود ندارد» (بیکر، ۲۰۰۰: ۲۹۱).

از جمله مواردی که می‌توان از آن در ترجمه جعفری با عنوان غنازدایی کیفی یاد کرد، این عبارت است: «أذكر الوجوه الخائفة و أذكر بناتاً كثيرات في «المربول» الأزرق و أذكر وجهاً ينظر إلى من بين الوجوه: اسمها هيلدا، اسمها الحقيقي غير مهم» (جابر، ۲۰۰۸: ۳۶).

ترجمه: «چهره‌های وحشت‌زده را به خاطر دارم و دخترهای زیادی که «لباس فرم» آبی رنگ نشان بود، از بین آن قیافه‌ها یکی را یادم است که به من زل می‌زد: اسمش هیلدا بود، اسم واقعی‌اش مهم نیست» (جعفری، ۱۳۹۷: ۳۳).

در این جمله، مترجم فعل «ينظر إلى» را «به من زل می‌زد» ترجمه کرده است. به اعتقاد برمن، جایگزین کردن عبارات و کلمات با اصطلاحات و کلماتی که از لحاظ غنای معنایی در خور متن مبدأ نیست، تحریف به‌شمار می‌آید و باعث ارائه تصویری غیردقیق از متن اصلی می‌شود. در معنی نظر إلى گفته شده: «نگاه کردن به، مشاهده کردن کسی یا چیزی، نظر افکندن، توجه داشتن به، منظور داشتن چیزی را» (آذرنوش، ۱۳۹۲: ۱۰۹۳) و تفاوت عمده‌ای با زل زدن دارد؛ چراکه در اتوبوس و یا هر مسیر دیگر نگاه کردن به صورت ناگهانی و غافلگیرانه صورت می‌گیرد، اما زل زدن با توجه به علاقه و توجه‌ها و چیزهای دیگر صورت می‌گیرد. همچنین فعل‌هایی که در زبان عربی برای زل زدن به کار می‌رود این افعال هستند: «حَدَّقَ إِلَى، تَمَحَّلَقَ فِي، تَفَرَّسَ فِي» (فاتحی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۴۳۰)؛ پس مترجم در ترجمه باید به این نکته توجه داشته باشد.

نمونه دیگر در باب غنازدایی کیفی: «لكن بعد ذلك، عندما صرت أخرج معهما و تذهب إلى السينما أو إلى المطعم أو إلى الحديقة (جُنَيْنَةَ السِيوفِي) أو إلى الكسليك» (جابر، ۲۰۰۸: ۳۶). ترجمه: «اما پس از دیدارهای بیرونمان در سینما و رستوران یا پارک (پارک سیوفی) و روستای کسلیک به هم نزدیک تر شدیم» (جعفری، ۱۳۹۷: ۳۳).

کلمه «جُنَيْنَةَ» در اصل از ریشه جَنَّة به معنای «باغ، بهشت، بستان» و تصغیر شده آن بر وزن فُعَيْلَة و به معنای باغچه است، اما مترجم در اینجا آن را در معنای پارک آورده است

در حالی که نویسنده رمان کلمه پارک را ذکر کرده بود و ذکر دوباره آن در درک متن خللی را ایجاد می‌کرد. بنابراین معنای اصلی عبارت «جُنَيْنَةُ السَّيْفِي» باعْجَظَةُ سَيُوفِي است. نمونه‌ای دیگر: «أَبِي كَانَ يَشْرَبُ قَهْوَةَ مَارِي وَهُوَ يَدَخِّنُ سَكَائِرَهُ عَلَي الشَّرْفَةِ سَاعَةَ الصَّبَاحِ. عِنْدَمَا يَنْتَهِي يَدْخُلُ إِلَى الْحَمَّامِ. بَعْدَ وَقْتٍ قَصِيرٍ يَخْرُجُ مِنَ الْبَيْتِ» (جابر، ۲۰۰۸: ۳۴). ترجمه: «پدرم، صبح‌ها در بالکن سیگار می‌کشید و قهوه‌ای را که ماری دم کرده بود، می‌نوشتید. وقتی کارش تمام می‌شد، سری به سرویس بهداشتی می‌زد و کمی بعد، از خانه بیرون می‌رفت» (جعفری، ۱۳۹۷: ۳۱).

مترجم معادل دقیق کلمه «الحمام» را بنابر ساختار متن اشتباه ترجمه کرده است. به عبارت دیگر، در فرهنگ‌های لغت به هیچ وجه کلمه الحَمَّام به معنای سرویس بهداشتی آورده نشده است، بلکه در معانی «حمام، گرمابه، استخر شنا، چشمه آب معدنی» (آذرنوش، ۱۳۹۲: ۲۲۰) آمده است. کلمه سرویس بهداشتی در زبان عربی به معنای دوره المیاه، مرحاض و... به کار برده شده است.

۷-۵. غنازدایی کمی

«در این نوع تحریف، سخن از هدر رفتن واژگانی است. برمن معتقد است که گاهی برای یک مدلول، چندین دال وجود دارد و انتخاب یک دال به غنازدایی کمی منجر می‌شود» (بیکر، ۲۰۰۰: ۲۹۲-۲۹۱). مانند: «تحت سقف الأرز تعلّمت أن ترمي قذائف صاروخية: تدرّبت على الأرز. بی. جی. و علی ال ب ۷» (جابر، ۲۰۰۸: ۷۵).

ترجمه: «زیر سقف شاخه‌های سدر، پرتاب موشک را یاد گرفت: آر. پی. جی زدن و پرتاب ب ۷ را آموزش دید» (جعفری، ۱۳۹۷: ۶۷).

مترجم در این جمله در برابر واژه «سقف الأرز» معادل «سقف شاخه‌های سدر» را آورده و ترکیب معنایی واژگان را به هم ریخته و به کاهش مؤلفه‌های معنایی واژگان

دست زده است. واژهٔ سقف دارای معانی «پوشش، سر پناه، سقف و پشت بام» است که مترجم تنها معادلی ضعیف از آن را آورده که خود نشانهٔ کاهش و ضعف واژگانی است و براساس نظریهٔ برمن در ترجمهٔ متن تحریف یا همان غنازدایی کمی صورت گرفته است. همچنین در جملهٔ فوق از «سقف شاخه‌های سدر» برای تفاخرگرایی و توضیح بیشتر استفاده کرده است. در حالی که نویسنده هیچ اشاره‌ای به «الأغصان؛ شاخه‌ها» نداشته است، بلکه به «پوشش‌ها یا سقف‌ها» اشاره کرده است.

۶-۷. تخریب ضرب آهنگ‌های متن

«این گرایش [تخریب ضرب آهنگ‌های متن] عبارت است از تغییر نواخت‌های متنی. این نوع تغییر، مثلاً با هدف قرار دادن علائم نقطه‌گذاری، می‌تواند به نحو قابل توجهی بر ضرب آهنگ‌های جمله تأثیر بگذارد» (احمدی، ۱۳۹۲: ۹)؛ مانند: «أنا قلت شيئاً عن الراححة قبل أن يرى أنطوان المرأة الملقاة بين صناديق ذخيرة محطمة الأخشاب» (جابر، ۲۰۰۸: ۶۳). ترجمه: «قبل از اینکه آنتوان، آن زن را بین جعبه‌های چوبی و درهم شکستهٔ مهمات ببیند، من چیزی راجع به آن بو گفتم» (جعفری، ۱۳۹۷: ۵۶). در این جمله، رعایت نکردن علائم سجاوندی به آهنگ جمله آسیب رسانده است. به عبارت دیگر، جملهٔ بالا هیچ ویرگولی ندارد. «به نوعی ویرگول نشانهٔ درنگ کوتاه است و برای مجزا کردن گروه‌ها و کلمات و پرهیز از خلط مفاهیم، برای جدا کردن جمله‌های پایه و پیرو، برای جدا کردن ساخت‌های دستوری مشابهی که به توالی آمده باشند و برای مجزا کردن گروه‌ها در مواردی که خواننده درنگی کوتاه می‌کند، استفاده می‌شود» (سمائی، ۱۳۸۲: ۸)، اما در ترجمهٔ جعفری برخلاف متن اصلی ویرگول آورده شده است. براساس نظریهٔ برمن، زمانی که مترجم با اختیار علائم سجاوندی را کم یا زیاد می‌کند، ترجمه دچار خلل می‌شود. در اصل، کاربرد اصلی نشانه‌ها جدا کردن کلمه‌ها و گروه‌ها و جمله‌ها از یکدیگر و مشخص کردن رابطهٔ

آن‌ها با هم است. مشخص کردن حالات عاطفی نویسنده و آهنگ کلام و هم‌معنایی و تعیین ساختار داخلی کلمات از دیگر کاربردهای نشانه‌ها هستند.

جعفری در نمونه‌ای دیگر جای ویرگول را تغییر داده است به طوری که وقفه ایجاد شده در متن رمان را به تأخیر انداخته است؛ مانند: «الحفرة فيها سائلٌ كثيفٌ غريب اللّون، والغيمة الصغيرة القاسية تظنّ و تتزّ فوق الحفرة» (جابر، ۲۰۰۸: ۶۳).

ترجمه: «چاله پر از مایع غلیظی بود که رنگ عجیبی داشت و توده بد منظر کوچکی، بالای چاله بزیز و وز وز می‌کرد» (جعفری، ۱۳۹۷: ۵۶).

۷.۷. تخریب عبارات و اصطلاحات خاص زبان

«از نظر برمن در نثر، اصطلاحات، صنایع لفظی، عبارات، ضرب‌المثل‌ها و... که در واقع اتخاذ شده از زبان بومی و محلی هستند در زبان‌های دیگری نیز عناصر و نمونه‌ای متناظر خود را می‌یابند» (سماک، ۲۰۱۰-۲۰۰۹: ۷۳).

مانند: «ماری هی الطباخة فی عائلتنا، بعد أمّی. أمّی علّمت البنات کلّهن لکن ماری عندها نفس. أبی کان لا یشرب القهوه إلّا من ید أمّی أو من ید ماری» (جابر، ۲۰۰۸: ۳۳).

ترجمه: «ماری بعد از مامانم، آشپز خانواده‌مان بود. مادرم به همه دخترها آشپزی یاد داده بود، اما ماری نفّسش بود. پدرم فقط قهوه مادرم و ماری را می‌خورد» (جعفری، ۱۳۹۷: ۳۱).

در معادل‌گزینی اصطلاح «ماری عندها نفس» مترجم از ترجمه تحت‌اللفظی، ساده و ابتدایی استفاده کرده است که از نظر برمن نوعی تحریف متن به شمار می‌رود و موجب پایین آمدن سطح متن مبدأ می‌شود. به عبارت دیگر، معادل دقیق جمله فوق «جگر گوشه مامانش بود، عزیز دردانه مامانش بود، نزد مادرش از محبت خاصی برخوردار بود» است.

نمونه دیگری در باب تخریب عبارات و اصطلاحات خاص زبان: «نجوی الأقرب إلى مع أنّها الأبعد مسافة الآن. وهي الأقرب إلى مع أنّها عموماً لا تنظر إلى الأشياء كما أنظر إليها» (جابر، ۲۰۰۸: ۳۳).

ترجمه: «نجوی با من صمیمی‌تر است، با وجودی که از من دور است و دیدگاهش به امور با من متفاوت است» (جعفری، ۱۳۹۷: ۳۰).

ترجمه مترجم در عبارت بالا هم دارای نقص بوده و هم در معادل دقیق عبارت «أنها عموماً لا تنظر إلى الأشياء كما أنظر إليها» که به معنای «ولی در بیشتر موارد و علائق هم سلیقه نیستیم» است، دقت کافی نداشته است.

مثالی دیگر: «كان الجرس الصغير في غرفتي يطنّ و شريكی في الغرفة يقول هذا لك و ليس لي» (جابر، ۲۰۰۸: ۱۱۵).

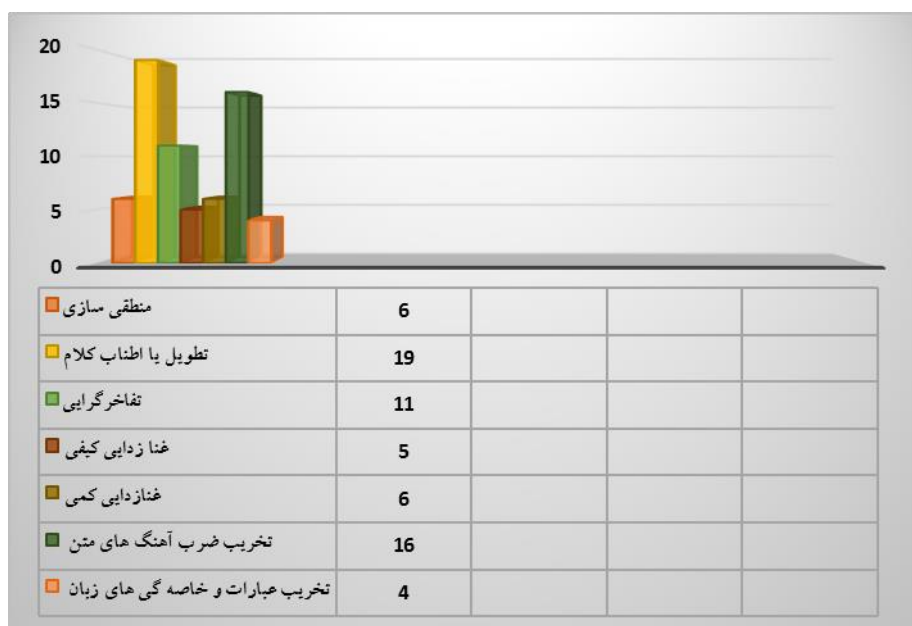
ترجمه: «زنگ کوچک اتاقم که به صدا درمی‌آمد، هم اتاقی‌ام می‌گفت برای توست نه برای من» (جعفری، ۱۳۹۷: ۱۰۳).

در عبارت بالا بنا بر سیاق جمله اینکه بگوییم زنگ کوچک اتاقم معنا را نمی‌رساند، بلکه باید گفت: «صدای زنگ کوتاهی از اتاقم به گوش می‌رسید»؛ چرا که تحت‌اللفظی است. همچنین دوست مارون زمانی که زنگ به صدا در می‌آید در اتاق حضور داشته، پس می‌توانسته زنگ را قطع بکند؛ یعنی فضای داستان به این سو بیشتر گرایش دارد تا ترجمه‌ای که مترجم آورده است. مترجم در این عبارت آنطور که باید نتوانسته است در ترجمه عبارت شفاف‌سازی کرده و معادل دقیق کلمات را مثل این معادل؛ «دوستم از داخل اتاق می‌گفت: با تو کار دارند، با من نیستند» به کار ببرد. به عبارت دیگر، این ویژگی بنا بر گرایش‌های ریخت‌شکنانه بر من «تخریب عبارت و اصطلاحات خاص زبان» موجب تحریف متن مبدأ به مقصد می‌شود.

۸. مؤلفه‌های ریخت‌شکنانه در ترجمه رمان اعترافات براساس نمودار

نمودار (۱) بیانگر بسامد مؤلفه‌های ریخت‌شکنانه آنتوان برمن در ترجمه فاطمه جعفری بر رمان اعترافات ربیع جابر است که در ۶۷ مورد و نمونه ذکر شده و گویای این است که ترجمه فاطمه جعفری دچار تحریف متن شده است. در بین مؤلفه‌های یاد شده، مؤلفه‌های تطویل یا اطناب کلام و تخریب ضرب آهنگ‌های متن از پربسامدترین عوامل تحریف متن در ترجمه فاطمه جعفری است و این مؤلفه‌ها در تفاخرگرایی نیز تأثیر گذاشته و در مواردی شاهد افزایش مؤلفه تفاخرگرایی در ترجمه او هستیم. دیگر مؤلفه‌ها نیز دارای کمترین تحریف هستند.

نمودار (۱): بسامد مؤلفه‌های ریخت‌شکنانه در رمان اعترافات



نتیجه‌گیری

نظریه «آنتوان برمن» در حوزه نقد ترجمه یکی از کارآمدترین نظریه‌ها برای نقد ترجمه رمان و متون‌های دیگر است؛ چراکه این نظریه ظرفیت قابل توجهی برای انطباق با ترجمه عربی به فارسی دارد و بر پایه آن می‌توان نحوه عملکرد مترجمان را به صورت روشمند مورد ارزیابی و سنجش قرار داد تا به نقاط ضعف و قوت و تمامی محورهایی را که مترجم با آن در ارتباط است، مورد نقد و تحلیل قرار داد. نظریه «برمن» توجه زیادی به زبان مبدأ دارد و با رونق نقدهایی که با روش او صورت می‌گیرد، تحمل‌های غیروفادارانه مترجمان و میزان وفاداری آن به متن مبدأ، تبیین می‌شود؛ چراکه مترجم باید حتی الامکان به متن مبدأ وفادار باشد و در ممانعت از وارد شدن متن بیگانه در متن به انتقال صحیح زبان مبادرت ورزد.

براساس گرایش‌های ریخت‌شکنانه «آنتوان برمن» ترجمه فاطمه جعفری از رمان اعترافات ربیع جابر، ترجمه‌ای وفادار به متن اصلی است و با تطبیق هفت مورد از عوامل تحریف متن بر ترجمه ایشان شاهد کم شماری این‌گونه تحریف‌ها در ترجمه ایشان بودیم. در کل میزان وفاداری مترجم به متن اصلی با توجه به آمار به‌دست آمده از نمودار میله‌ای ۸۱ درصد خوب و قابل اطمینان است، اما در ۱۹ درصد باقیمانده رمان؛ یعنی در ۶۷ مورد به‌خاطر ثقیل بودن یکسری اصطلاحات و جملات و عبارات‌های محلی، مترجم نتوانسته است مقصود اصلی نویسنده را به خواننده برساند.

در مجموع در بین هفت مؤلفه ذکر شده از «برمن» در این پژوهش، اطناب کلام و تخریب ضرب آهنگ متن از پر بسامدترین عوامل تحریف متن در ترجمه جعفری است. این مؤلفه‌ها در تفاخرگرایی نیز تأثیر گذاشته و در مواردی شاهد افزایش مؤلفه تفاخرگرایی (آراسته‌سازی) در ترجمه ایشان هستیم. در حوزه‌های منطقی‌سازی، غنازدایی کیفی، غنازدایی کمی و تخریب عبارات و اصطلاحات خاص زبان، کمترین انحراف را از

متن داشته و ترجمه ایشان با نظریه آنتوان برمن همسو است. بنابراین، مترجم توانسته ترجمه‌ای روان و وفادار ارائه کند.

منابع

- احمدی، محمد رحیم. (۱۳۹۲). «آنتوان برمن و نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه». *نقد زبان و ادبیات خارجی*. س ۶. ش ۱۰. صص ۲۱-۱.
- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۹۲). *فرهنگ معاصر عربی فارسی آذرتاش آذرنوش*. چ ۱۵. تهران: نشر نی.
- افضلی، علی و عطیه یوسفی. (۱۳۹۵). «نقد و بررسی ترجمه عربی گلستان سعدی براساس نظریه آنتوان برمن؛ مطالعه موردی کتاب الجلسان الفارسی اثر جبرائیل المنخلع». *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*. س ۶. ش ۱۴. صص ۸۳-۶۱.
- انوشیروانی، علیرضا. (۱۳۹۱). «ادبیات تطبیقی و ترجمه پژوهی». *ویژه نامه فرهنگستان ادبیات تطبیقی*. س ۳. ش ۵. صص ۲۵-۷.
- اوریده، برامکی. (۲۰۱۳). *الحرفیة فی الترجمة الأدبیه لدی أنطوان برمان. دراسة نقدیة تحلیلیة للنزعات التشویهیة فی ترجمة رواية فوضی الحواس لأحلام مستغانمی إلی الفرنسیة، مذكرة لنیل شهادة الماجستير فی الترجمة*. إشراف: محمد الأخضر الصبیحی. الجزائر: جامعة قسطنطنیة، کلیة الآداب و اللغات.
- برمان، أنطوان. (۲۰۱۰). *الترجمة و الحرف أو مقام البعد*. ترجمه و تحقیق عزّ الدین الخطابی. ط ۱. بیروت: المنظمة العربیة للترجمة.
- جابر، ربیع. (۱۳۹۷). *اعترافات*. ترجمه فاطمه جعفری. چ ۱. تهران: انتشارات افراز.
- _____ . (۲۰۰۸). *الإعترافات*. ط ۱. بیروت: دارالآداب للنشر والتوزیع .

- حماد، أحمد. (۲۰۰۲). «الترجمة الأدبية بين قيود النص و حرية الإبداع». *مجلة عالم الفكر*. ج ۳. ش ۴. الكويت: المجلس الوطني.
- خبرگزاری مهر. تاریخ درج متن در سایت ۱۳۹۷/۰۳/۱۹. تاریخ آخرین مراجعه نویسنده به سایت ۱۳۹۹/۰۶/۰۴.
- سماک، سمیرة. (۲۰۱۰-۲۰۰۹). «منهج النقد عند أنطوان برمن، مذكرة لنيل شهادة الماجستير في الترجمة». الجمهورية الجزائرية الديمقراطية الشعبية.
- سمائی، سید مهدی. (۱۳۸۲). «کاربرد نشانه‌ها در خط فارسی». *علوم اطلاع‌رسانی*. د ۱۹. ش ۱ و ۲. صص ۸-۱۲.
- صفوی، کوروش. (۱۳۷۱). *هفت گفتار درباره ترجمه*. چ ۹. تهران: مرکز.
- صمیمی، محمدرضا. (۱۳۹۱). «بررسی ترجمه داستان تپه‌هایی چون فیل‌های سفید براساس سیستم تحریف متن آنتوان برمن». *کتاب ماه ادبیات*. ش ۶۵. صص ۴۹-۴۴.
- فاتحی‌نژاد، عنایت‌الله. (۱۳۹۶). *فرهنگ معاصر فارسی عربی*. چ ۴. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- فرهادی، محمد، سید محمود میرزایی‌الحسینی و علی نظری. (۱۳۹۶). «نقد و بررسی اطناب و توضیح در ترجمه صحیفه سجادیه براساس نظریه آنتوان برمن (مطالعه موردی: ترجمه انصاریان)». *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*. د ۷. ش ۱۷. صص ۳۱-۵۳.
- کریمیان، فرزانه. منصوره اصلانی. (۱۳۹۰). «نقش وفاداری به یک نویسنده در ترجمه؛ بررسی مقابله‌ای ترجمه‌های قاسم روبین از آثار ماگريت دوراس». *مطالعات زبان و ترجمه*. ش ۱. ش ۳. صص ۱۳۸-۱۲۰.

- گنجیان خناری، علی. (۱۳۹۷). «واکاوی چالش‌های ترجمه ادبی: بررسی تحلیلی نوع متن. اجزای متن و چالش خواننده». *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*. د ۸ ش ۱۸. صص ۹۵-۱۱۴.
- ماندی، جرمی. (۱۳۸۹). *درآمدی بر مطالعات ترجمه؛ نظریه‌ها و کاربردها*. ترجمه الهه ستوده‌نما و فریده حق‌بین. تهران: نشر علم.
- المتوکل، احمد. (۱۹۸۸). *الجملة المركبة في اللغة العربية*. ط ۱. الرباط: دار عکاظ.
- معايش، أسامة. (۲۰۰۸-۲۰۰۹). «إشكالية ترجمة الإيحاءات إلى اللغة العربية رواية الحلزون العنيد» لرشيد بوجدره أنموذجاً». جامعة منتوري قسنطينة. مذكرة بحث لنيل شهادة الماجستير في الترجمة. الجمهورية الجزائرية الديمقراطية الشعبية.
- مهدی‌پور، فاطمه. (۱۳۸۹). «نظری بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن از نظر آنتوان برمن». *کتاب ماه ادبیات*. ش ۴۱. صص ۵۷-۶۳.
- نیومارک، پیتر. (۱۳۷۰). «تاریخ اجمالی در ترجمه غرب. ترجمه نرگس سروش». *مترجم*. ش ۳. صص ۶۰-۷۰.

Baker, Mona. (2000). *The Translation studies reader*, Translated by: Venuti, Lawrence, first published, London and New York, Routledge.

Berman, Antoine. (1993). *La traduction et la lettre ou lauberge du liontain*, paris, op. cit.

<https://www.google.com/url?sa=t&source=web&j&url=https://www.mehrnews.com/amp/4315876/&ved=2ahUKEwiplvmv5rbrVDAGMBHdTNCDoQFJACegQIBB&usg=AOvVaw2nzn4E0gC1N6Mx&cf=1>